



---

# پہلو پیروز

---

دکتر نادر فضلی



# پرچم پیروز

دکتر نادر فضلی

فضلی، نادر، ۱۳۳۲ -  
 پرچم پیروز / نادر فضلی. - تهران: مهرآوران، ۱۳۷۹  
 ۴۷ ص. ۲۴۰۰ ریال  
 ISBN: 964 - 7079 - 00 - 1  
 فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا  
 کتابنامه بصورت زیر نویس.  
 ۱. حجة بن الحسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -  
 ۲. قرآن - قصه ها. الف. عنوان.  
 ۴ پ ۶ ف / BP ۵۱ / ۲۹۷ / ۹۵۹  
 کتابخانه ملی ایران  
 ۱۱۱۷۶ - ۷۹ م

جهت آشنائی بیشتر با امام عصر ارواحنا فداه و سیر مطالعاتی خودتان  
 در این زمینه، می توانید با انتشارات مهرآوران تماس بگیرید.

نام کتاب: ..... پرچم پیروز  
 مؤلف: ..... دکتر نادر فضلی  
 ناشر: ..... مهرآوران / ۰۹۱۱۲۳۳۱۶۵۲ - ۲۰۷۸۶۶۵  
 حروفچینی و صفحه آرایی: ..... شبیر / ۷۵۲۱۸۳۶  
 نوبت چاپ: ..... چاپ سوم ۱۳۸۰  
 تیراژ: ..... ۵۰۰۰  
 لیتوگرافی: ..... نغمه / ۳۹۱۳۲۵۳  
 چاپ: ..... ۲۲ بهمن / ۸۹۰۱۳۶۸  
 شابک: ۱ - ۰۰ - ۷۰۷۹ - ۹۶۴  
 ISBN: 964 - 7079 - 00 - 1  
 قیمت: ..... ۲۴۰۰ ریال

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

كَمِ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ  
غَلَبَتْ فِتْنَةً كَثِيرَةً بِأُذُنِ اللَّهِ  
وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ

چه بسا گروهی اندک بر لشکری عظیم،  
به اذن و فرمان خداوند، پیروز شود،  
و البته خداوند همیشه با کسانی است  
که صبر و پایداری پیشه می کنند.

پس از حضرت موسی عليه السلام، بنی اسرائیل که در فلسطین مستقر شده بودند، به بیراهه رفتند و در باتلاق گناه در غلتیدند و دین خدا را واژگونه ساختند و از فرمان پروردگار بیرون شدند.

پیامبری که آن زمان در میان ایشان بود «اشمویل»<sup>۱</sup> نبی بود. او مردم را به انجام خوبی‌ها فرمان می‌داد و از اعمال زشت باز می‌داشت. اما مردم گوش به پند و اندرز او نمی‌دادند و به گمراهی و سرکشی خویش اصرار می‌ورزیدند.

خداوند نیز به سزای این تبهکاری، جالوت را که از بازماندگان قبطیان (مردم مصر) بود، و فرمانروای «عمالقه» شده بود، بر بنی اسرائیل مسلط کرد. عمالقه اقوامی وحشی بودند و در منطقه میان مصر و فلسطین، در سواحل دریای روم می‌زیستند. جالوت سرداری بود وحشی‌تر از عمالقه، و خونریزی و قتل و غارت

---

۱- اشمویل، لفظ عبری است به همان معنای اسماعیل - بحار الأنوار ج ۱۳ ص ۴۴۲.

برایش امری بس آسان و گوارا می نمود. او پیوسته بر بنی اسرائیل یورش می برد و ایشان را از سرزمینهایشان بیرون می راند و غارتشان می کرد و زنان و دخترانشان را به اسارت می گرفت.

تا آن زمان، معمول چنان بود (یا بنی اسرائیل چنان می پنداشتند) که پیامبران در میان بنی اسرائیل از یک خاندان بودند و پادشاهان از خاندانی دیگر. از این رو فرزندان یعقوب - که هنوز خاطره خونریزیهای فرعون را از یاد نبرده بودند - به جان آمدند و به نزد جناب اشمویل شتافتند و گفتند:

«إِبْعَثْ لَنَا مَلِكًا يُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»

(پادشاهی در میان ما برانگیز تا - به امیری و سرداری

او - در راه خدا پیکار کنیم.)

و جناب اشمویل با شناخت و سابقه‌ای که از ایشان داشت، گفت:

«هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا»

(چنان مباد که اگر جنگ بر شما واجب گشت، پشت به

پیکار کنید.)

و یهودیان، با حالت اعتراض گفتند:

«وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا

وَأَبْنَائِنَا»

(چرا در راه خدا نجنگیم در حالی که از سرزمینهای

خویش رانده شده‌ایم و فرزندانمان را به اسیری برده‌اند.)

اما همانگونه که حضرت اشمویل پیش‌بینی کرده بود:

«فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ

### بِالظَّالِمِينَ<sup>۱</sup>

(اما آنگاه که حکم و فرمان جهاد آمد، جز گروهی اندک، روی از جنگ گرداندند و البته خداوند ستمگران را خوب می‌شناسد.)

به هر روی پس از درخواستهای مکرر ایشان، مبنی بر تعیین سرداری سرافراز و پادشاهی ممتاز، جناب اشمویل فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا»

(خداوند طالوت را به عنوان پادشاه برای شما برگزید و برانگیخت.)

اما مردم اعتراض کردند و نسبت به معرفی طالوت به عنوان پادشاه گفتند:

«أَنْتَى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَ لَمْ يَأْتِ سَعَةً مِنَ الْمَالِ»

(او چگونه می‌تواند بر ما پادشاهی کند در حالی که ما از او سزاوارتریم، و نیز در حالی که او از نظر مال و دارایی امکانات زیادی ندارد و فقیر است.)

چنانچه پیشتر هم اشاره کردیم تا آن زمان معمول چنان بود که پیامبران از خاندان و فرزندان «لاوی»<sup>۲</sup> برانگیخته می‌شدند و پادشاهان از فرزندان «یوسف». اما طالوت که به پادشاهی برگزیده

۱- سوره بقره / ۲۴۶.

۲- لاوی یکی از فرزندان یعقوب بود که در داستان یوسف، اجازه نداد برادران، یوسف را بکشند.

شده بود، از فرزندان «بنیامین» برادر دیگر یوسف بود. نه از خاندان پیامبران بود و نه از سلسله پادشاهان. و این یکی از دلایل اعتراض بنی اسرائیل به برگزیده شدن جناب طالوت بود. اما گویا آنان فراموش کرده بودند که خداوند ناچار و ناگزیر نیست که همیشه یکسان عمل کند. نبوت و پادشاهی و هر مقام و هر چیزی را به هر کس که خود اراده فرماید، عطا می‌کند و بندگان را در این باره اراده و اختیاری نیست.

«قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۱</sup>

(بگو پروردگارا! تویی که مالک همه هستی می‌باشی. آن را به هر کس که خود بخواهی می‌دهی و از هر کس که بخواهی باز می‌ستانی. هر کس را که تو بخواهی عزیز و سربلند می‌کنی و هر کس را که اراده فرمایی خوار و خفیف می‌سازی. همه خوبیها به دست توست و تو بر همه چیز توانایی.)

اعتراض دیگر آنان این بود که جناب طالوت فقیر است و دستش از داراییهای دنیا تهی است. اما در پاسخ به هر دو مطلب، جناب اشمویل چنین گفت:

«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ



## الْجِسْمِ

(خداوند او را بر شما برگزیده - و برتری داده است - و از

نظر دانایی و توانایی به او وسعت عطا فرموده است.)

به این ترتیب خداوند بر دو مطلب اساسی که به گونه‌ای شرط فرمانروایی است، تأکید فرموده است. یکی قدرت خرد و اندیشه و توانایی علمی، و دیگر قدرت جسمانی، و این هر دو در جناب طالوت وجود داشت، و مهمتر آنکه برگزیده خدا بود.

خداوند مجدداً از زبان جناب اشمویل یادآوری می‌فرماید که:

«وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَةً مَّنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»<sup>۱</sup>

(و خداوند پادشاهی‌اش را به هرکس که خود بخواهد

می‌دهد و خداوند گشایشگری بس داناست.)

به هر صورت خداوند جناب طالوت را با دو ویژگی که خود به او عطا کرده بود، حکومت و پادشاهی داد. و نشانه سرداری و سروری او را از زبان جناب اشمویل چنین بیان فرمود:

«وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتَ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ»<sup>۲</sup>

(پیامبر ایشان گفت: نشانه پادشاهی او آن است که

تابوت یادگار حضرت موسی را می‌آورد که آرامشی از

۱- سوره بقره / ۲۴۷.

۲- سوره بقره / ۲۴۸.

خدایتان و بازمانده‌ای از آنچه که خاندان موسی و هارون از خویش به جای نهاده‌اند، در آن است. فرشتگان آن را حمل می‌کنند. - در این آوردن تابوت - اگر مؤمن باشید، آیتی برای شماست.)

تابوتی که در این آیه شریفه از آن سخن رفته است، همان است که مادر حضرت موسی، او را، چون به دنیا آمد، از ترس فرعون، در آن نهاد و به امواج نیل سپرد. این تابوت پیوسته در میان بنی اسرائیل بود و آن را گرامی می‌داشتند و از آن تبرک می‌جستند. هنگامی که زمان وفات حضرت موسی فرا رسید، الواح آسمانی و نیز لباس جنگی خویش و هر آنچه از نشانه‌های نبوت نزدش بود، در آن نهاد و تابوت را به ودیعت نزد وصی و جانشین خویش جناب یوشع نهاد.

پس از گذشت روزگارانی چند، حرمت و شوکت تابوت در میان بنی اسرائیل شکست. تا آنجا که کودکان در کوچه‌ها با آن بازی می‌کردند. تا زمانی که آن تابوت در میان بنی اسرائیل بود، ایشان در عزت و شرافت و آقایی به سر می‌بردند و چون به گناه آلوده شدند و عزت تابوت را کنار نهادند، عزت و سروری ایشان نیز از میان برفت.

پس از ماجراهایی که رخ داد و بنی اسرائیل از حضرت اشمویل تقاضای تعیین پادشاه کردند، خداوند، هم جناب طالوت را معرفی فرمود و هم تابوت را به میان ایشان باز گردانید و آن را نشانه پادشاهی جناب طالوت قرار داد. آنان نیز این ماجرا را به فال نیک

گرفتند و سرانجام جناب طالوت را به پادشاهی پذیرفتند.<sup>۱</sup>  
 طالوت هم آماده نبرد با جالوت شد و لشکری گران متشکل از  
 شصت هزار مرد جنگی برانگیخت. پیش از حرکت لشکر، حادثه  
 دیگری رخ داد. جناب اشمویل به نزد طالوت آمد و گفت: خداوند  
 به من وحی کرده است که قاتل جالوت کسی است که لباس جنگی  
 موسی بر قامت او راست می آید و او یکی از فرزندان «ایشا»<sup>۲</sup>  
 می باشد که از فرزندان لاوی است.

«ایشا» ده پسر داشت و به کار چوپانی مشغول بود و با همه  
 پسران، جز کوچکترین آنها، برای شرکت در جنگ به لشکر  
 طالوت پیوسته بود. طالوت او را خواست و لباس جنگی حضرت  
 موسی را که در تابوت مقدس قرار داشت بیرون آورد و یک به یک  
 بر قامت پسران ایشا آزمود. اما آن لباس بر قامت هیچیک از ایشان  
 راست نیامد. طالوت که می دانست پیامبر خدا هرگز خلاف  
 نمی گوید از ایشا پرسید: پسران تو همینها هستند؟ ایشا پاسخ داد:  
 کوچکترین ایشان را که «داود» نام دارد گذاشته ام تا از گوسفندان  
 مراقبت کند.

لشکریان که شاهد اندازه گیری لباس بودند با نگرانی انتظار  
 می کشیدند تا چه پیش آید. طالوت فرمان داد بی درنگ داود را  
 حاضر کنند. پس پیکی را فرستادند و داود را خبر دادند که هر چه  
 سریعتر به لشکر پیوندد. داود به راه افتاد در حالی که فلاخن

۱- تفسیر علی بن ابراهیم ۱.

۲- ایشا نام عبری «یسا» می باشد.

خویش را نیز همراه داشت. او فلاخن انداز ماهری بود. در راه که می آمد به سه سنگ نسبتاً درشت رسید و صدایی از سنگها برخاست که:

«ما را برگیر و با خود ببر»

داود با شگفتی چنان کرد که شنیده بود. او جوان زورمند و شجاعی بود و دلی دلیر و سری نترس داشت. چون به نزد طالوت آمد، لباس را بر قامت او آزمودند و این بار غریو شادی از لشکر برخاست، زیرا که لباس درست به اندازه تن داود بود. همه این حادثه را به فال نیک گرفتند و دانستند که فتح و فیروزی در راه است.<sup>۱</sup>

بقیه ماجرا را از زبان قرآن می شنویم:

«فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ»

(پس هنگامی که طالوت لشکریان را به حرکت درآورد، به ایشان گفت: خداوند شما را به وسیله نهری آب می آزماید. هر کس که از آن نهر - جز یک مشت - آب بنوشد از من نیست و کسی که به فرمان من گوش فرا دهد، او از من است.)

لشکریان از بیابان بی آب و علف عبور می کردند و تشنگی



شدید بر آنها عارض شده بود و بطور معمول چون به آبی فراوان و گوارا برسند باید کاملاً سیراب شوند. اما چون خداوند می خواست میزان ایمان و پایداری آنان را بیازماید، فرمان داد که هیچ کس حق ندارد جز کفی آب بنوشد. آزمایش عجیب و دشواری بود. عزمی آهنین لازم بود که با وجود تشنگی شدید و آب فراوان و خوشگوار، کسی جز کفی آب ننوشد. ماجرا چنان شد که قرآن می فرماید:

«فَشْرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلاً مِنْهُمْ»

(از آب آن نهر، مگر تعدادی اندک، آب - فراوان - نوشیدند.)

آمده است که شصت هزار به اضافه سیصد و سیزده تن، تعداد لشکریان طالوت بود و از آن عده، شصت هزار نفر از آن آزمایش الهی سرافکنده و شکست خورده بیرون آمدند و فقط سیصد و سیزده نفر پایمردی کردند و طبق دستور فقط جرعه‌ای آب نوشیدند.<sup>۱</sup>

و نیز گفته‌اند آنان که جرعه‌ای آب بیشتر ننوشیدند، کاملاً سیراب شدند ولی آن عده که از فرمان سرپیچی کردند، هرچه آب می نوشیدند سیراب نمی شدند. حکایت دنیا نیز چنین است هر کس که بیشتر از دنیا بهره‌مند شود حریص‌تر می شود و هر کس کمتر بهره بجوید زودتر سیر می شود.<sup>۲</sup>

۱ - تفسیر کنزالدقایق ۲ / ۳۸۶.

۲ - تفسیر صافی، ذیل آیه ۲۴۹ سوره بقره.

قرار چنان شد که آن شصت هزار نفر که اراده سست و عزمی پوشالی داشتند همانجا بمانند و ناظر نبرد باشند، اما آن سیصد و سیزده نفر، که اراده‌ای پولادین داشتند، از نهر عبور کردند و در برابر لشکریان جالوت صف کشیدند. اما تعداد دو لشکر به هیچ روی با یکدیگر قابل مقایسه نبود. از این جهت تردید در دل عده‌ای از همان مردان عزم آهنین افتاد. تردید در اینکه آیا حریف آن سپاه گران خواهند بود؟ ماجرا را قرآن چنین بیان می‌فرماید:

«فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا  
الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ»

(وقتی طالوت، و آن مردان مؤمن همراهش، از نهر عبور کردند - و انبوه لشکریان جالوت را بدیدند - گفتند: امروز ما در برابر جالوت و لشکریانش تاب مقاومت نخواهیم داشت.)

برخی گفته‌اند این سخن را که: «امروز ما در برابر جالوت و لشکریان او تاب مقاومت نخواهیم داشت» آن عده از لشکریان طالوت که در آن طرف نهر مانده بودند، گفته‌اند.<sup>۱</sup>

اما به نظر نمی‌رسد که مانعی داشته باشد این سخن را بعضی از همان سیصد و سیزده نفر گفته باشند. زیرا سخن آنها که:

«لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ»

هیچ منافاتی با ایمان آنها ندارد. البته روشن است که در میان

همان افراد مؤمن و استوار، درجات ایمان متفاوت بوده است، و طبعاً عده‌ای از ایشان که از درجه ایمان بالاتری برخوردار بودند حتی این تردید را نیز به خود راه ندادند، همانها که قرآن از قول آنها چنین نقل می‌کند:

«قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»<sup>۱</sup>

(آنان که یقین داشتند حتماً به ملاقات و دیدار پروردگارشان نائل می‌شوند،<sup>۲</sup> گفتند: چه بسا که گروهی اندک بر لشکری عظیم، به اذن و فرمان خداوند، پیروز شود، و البته خداوند همیشه با کسانی است که صبر و پایداری پیشه می‌کنند.)

با این سخن، لشکریان اندک، اما مؤمن و استوار طالوت، آماده نبرد شدند و:

«وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أقدامَنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»

(وقتی در برابر جالوت و لشکریان - انبوه - او صف کشیدند، گفتند: پروردگارا صبر و پایداری پیاپی بر ما ارزانی فرما و قدمهای ما را استوار بدار و ما را بر گروه

۱- سوره بقره / ۲۴۹.

۲- در برخی از آیات ظن به معنای یقین است، از جمله در همین آیه: منظور از لقاء الله هم یعنی دیدار لطف و عنایت خدا، دیدار وعده‌های خدا، ایمان و ایقان به اینکه خداوند آنها را از لطف خویش بهره‌مند می‌سازد. لقاء الله معنای ایمان به قیامت را هم می‌دهد.

کافران پیروزی بخش.

در این هنگام داود به فرمان طالوت پا پیش نهاد و در برابر جالوت ایستاد. جالوت بر پیلی عظیم سوار بود و تاجی بر سر نهاده بود که بر پیشانی تاج یاقوتی درشت می درخشید و در قلب سپاه استقرار یافته بود. داود یکی از همان سنگهایی را که با خود داشت در فلاخن نهاد و با قدرتی الهی و نیرویی آسمانی آن را به سوی جناح راست سپاه رها کرد. انگار که صاعقه در سپاه افتاده باشد، میمنه سپاه منهزم گشت. سنگ دوم را به جناح چپ پرتاب نمود، میسره هم از پا درآمد و سپاهیان به هم ریختند. سنگ سوم را به سوی جالوت نشانه گرفت و سنگ با سرعتی عجیب و شدتی حیرت انگیز چنان بر سر جالوت اصابت کرد که یاقوت تاج بر مغز جالوت فرو رفت و مغز او را متلاشی کرد. با کشته شدن جالوت لشکر به هم ریخت و سپاهیان طالوت به آسانی بر آن لشکر عظیم پیروز شدند. قرآن به این ماجرای شورانگیز چنین اشارت می فرماید:

«فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ»<sup>۱</sup>

(به اذن خداوند، سپاهیان کم شمار طالوت، لشکریان پر شمار جالوت را از هم پراکندند و داود نیز جالوت را بکشت.)

آری، بدینسان بود که لشکر خدا با شماری اندک اما ایمانی



پرچم پیروز \* ۱۷

عظیم بر لشکر شیطان پیروز شد و پیوسته حق پیروز است.

داستان شیرین و شورانگیز پیروزی یاران کم شمار طالوت را  
بر لشکر گران جالوت از آن رو گفتیم تا آن را سرآغازی قرار دهیم  
که از چگونگی پیروزی آخرین حجّت حق، حضرت حجّة بن  
الحسن علیه السلام سخن بگوییم.

به راستی آیا تا به حال از خود پرسیده‌ایم که حضرت  
ولی عصر علیه السلام چگونه با قدرتهای وحشتناک و حیرت‌انگیز دولتهای  
کافر زمان خود، مقابله خواهد کرد؟

خداوند خواسته است تا سیطره و سلطنت آن حضرت شرق و  
غرب عالم را فرا گیرد. این خواست و اراده الهی چگونه تحقق  
می‌یابد؟

قدرتهای کنونی در جهان به صورتهای گوناگون، نوعاً حاکمیت  
شیطان را در این کره خاکی تثبیت کرده‌اند. جلوه‌های مختلف آن  
قدرتها را چنین شماره می‌کنیم:

✽ زرادخانه‌های سلاحهای موشکی و اتمی و بمبهای هیدروژنی و شیمیایی در سرتاسر دنیا در اختیار نیروهای اهریمنی است.

رو در رویی آن حضرت با این همه نیروهای نظامی و جنگ افزارهای پیچیده کنونی<sup>۱</sup> چگونه خواهد بود؟

✽ فکر و فرهنگ حاکم بر جوامع بشری کاملاً شیطانی و پرفریب است. بشریت در بندهای ناگسستنی افکار پلید و فاسد، سخت گرفتار شده است.

حضرت مهدی علیه السلام با چه نیرویی این بندهای اهریمنی را از فکر و روح بشر خواهد گسست؟

✽ امکانات و توانایی‌های مالی و اقتصادی جهان اغلب در اختیار دشمنان خدا و دشمنان دین خداست. برای مقابله با قدرتهای حیرت‌انگیز اقتصاد جهانی - که نوعاً در اختیار یهودیان دشمن اسلام است - آن حضرت چه خواهد کرد؟

✽ سیاست‌های حاکم بر جهان با بهره‌مندی از ابزارهای قدرتمند تبلیغاتی و رسانه‌های جمعی، کاملاً غیر انسانی و ضد اخلاقی است.

---

۱- البته اگر تا زمان ظهور این قدرتها باقی مانده باشد؟

برای مبارزه با قدرتهای سیاسی حاکم بر جهان، حضرت مهدی علیه السلام از چه توان و نیرویی برخوردار است؟

✽ قدرت علمی و فنی بشر، دیوانه کننده و حیرت‌انگیز شده است.

با این قدرت که بشریت لجام گسیخته آن را کاملاً در اختیار دارد، و چون زنگی مست، تیغ تیز در دست، دیوانه‌وار در جهان پر آشوب جولان می‌دهد و میدان داری می‌کند، حضرت ولی عصر علیه السلام چه خواهد کرد؟

✽ علاوه بر همه اینها فساد و بی بندوباری و فحشاء و تبهکاری سرتاسر گیتی را فرا گرفته است. چنانچه قرآن آشکارا در این باره می‌فرماید:

«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»<sup>۱</sup>

(بر اثر اعمال زشت و ناشایست مردم، فساد و تبهکاری سرتاسر کره خاکی را فرا گرفته است.)

به این ترتیب بیشتر مردم ظاهراً به هیچ روی، آمادگی پذیرش حکومت الهی حضرت مهدی علیه السلام را نخواهد داشت و به مقابله با آن حضرت برخوانند خواست.

مگر می‌شود حضرت مهدی علیه السلام برای مقابله با قدرتهای عظیم



نظامی و نیروهای شیطانی فکری و فرهنگی، و توانمندی‌های حیرت‌انگیز اقتصادی و امکانات دیوانه‌کننده علمی و فنی و توانایی‌های پلید سیاسی، بی‌سلاح و سپاه لازم ظهور کند؟ مگر می‌تواند بی‌هیچ حربه‌ای با این همه قدرتهای وحشتناک هم‌وردی کند؟

آری، بی‌تردید حضرت مهدی علیه السلام با حربه و ابزار و اسلحه لازم و مناسب با هر یک از آن قدرتها و توانمندی‌های بشری که بر شمردیم، به میدان خواهد آمد. با این تفاوت که حربه‌های آن حضرت به گونه دیگری است، و پیروزی آن جناب الهی و آسمانی می‌باشد.

پیشتر این را بگوییم که در شماری از آیات شریفه قرآن مجید، چگونگی نابودی اقوام و افراد سرکش آمده است. اقوام و افرادی که هر یک قدرتهای بزرگ و وحشتناک زمان خود بودند. اما هر یک از آنها، در اوج قدرت و سرکشی، به خواست و اراده خداوند، نابود شدند و در یک چشم بر هم زدنی، از میان رفتند. البته خواست و اراده خداوند، در نابودی هر یک از آنها، به گونه‌ای خاص جلوه‌گر گشت که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

\* قوم نوح: نخستین قوم کافر بودند که دچار عذاب الهی شدند، و آن عذاب به صورت طوفانی سهمگین، رخ نمود. طوفان سهمگینی که آنان را به کام مرگ کشید. قرآن در این باره، در یکی از آیات مربوط به داستان حضرت نوح، چنین می‌فرماید:

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ.<sup>۱</sup>  
 آنان قومی زشت‌کردار و تبه‌کار بودند که همگی را غرق  
 کردیم.

✽ یکی دیگر از اقوام قدرتمند، قوم عاد بود. که خداوند ایشان  
 را بوسیله صاعقه و نیز بادی وحشتناک و مرگبار از میان برد.  
 چنانچه در قرآن می‌خوانیم:

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَ  
 ثَمُودَ.<sup>۲</sup>

ای پیامبر - اگر این کافران روی از حق برتافتند به ایشان بگو که  
 شما را از صاعقه همانند آنچه بر عاد و ثمود فرود آمد می‌ترسانم.  
 آنگاه در ادامه، قرآن از قوم عاد یاد می‌کند و می‌فرماید:

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحِسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ  
 عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَى  
 وَ هُمْ لَا يُنصَرُونَ.<sup>۳</sup>

پس، بر آنها بادی تند در روزهای نحس، فرستادیم تا  
 عذاب خوارکننده‌ای را در همین زندگی دنیایی به ایشان  
 بچشانیم و البته عذاب آخرت خوارکننده‌تر است در  
 حالی که هیچ یآوری هم نخواهند داشت.

۱- انبیاء / ۷۷.

۲- فصلت / ۱۳.

۳- فصلت / ۱۶.

✽ قوم سرکش ثمود نیز بوسیله جلوه دیگری از قدرت خداوند، از میان رفت. صیحه و صاعقه. یعنی همان‌گونه که قوم عاد با صاعقه و باد نابود گشت، قوم ثمود نیز با صاعقه و صیحه‌ای مرگبار، نابود شد. پیشتر از صاعقه‌ای که بر آنان فرود آمد، نام بردیم و اینک از آن صیحه - یعنی فریادی آسمانی - که ایشان را از میان برد، یاد می‌کنیم:

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ  
الْمُحْتَضِرِ<sup>۱</sup>

ما بانگی یکباره بر آنان فرو فرستادیم که بر اثر آن،  
مانند گیاهی خشک و پراکنده گشتند.<sup>۲</sup>

البته صیحه و بانگ مرگبار آسمانی، نه تنها قوم ثمود، که اقوام دیگری را نیز از میان برد. مانند قوم شعیب،<sup>۳</sup> و قوم ارم.<sup>۴</sup>

✽ نابودی قوم پلید و زشت‌کردار لوط نیز چنان بود که بارانی از سنگ همراه با همان صیحه مرگبار بر آنان بارید و نابودشان کرد:

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ

۱- قمر / ۳۱.

۲- گفتنی است که هشیم یعنی گیاه خشک و پراکنده. محتضر هم یعنی کسی که از گیاهان خشک سایه‌بان می‌سازد. در اصل، معنا چنین می‌شود: مانند گیاهان خشک و پراکنده‌ای که از سایه‌بان سازی که با آن گیاهان سایه‌بان می‌سازد، باقی می‌ماند.

۳- هود / ۹۴.

۴- مؤمنون / ۴۱، آن‌گونه که در کتاب بحار الأنوار ج ۱۱ ص ۳۶۹ آمده است این آیه مربوط به قوم ارم است که بوسیله صیحه از میان رفتند.

فَجَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ  
سِجِّيلٍ<sup>۱</sup>

صبحگاهان بانگ مرگبار ایشان را فرو گرفت  
و آن سرزمین را زیر و رو کردیم و سنگپاره‌هایی از گِل  
بر ایشان فرو باریدیم.

✽ فرعون هم با لشکریان انبوه و عظیم خویش، در کام امواج  
خروشان دریا غرق شد:

فَأَخَذْنَاهُ وَ جُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ  
فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ<sup>۲</sup>

پس، فرعون و لشکرش را بدست قدرت خویش گرفتیم  
ایشان را در دریا افکندیم  
بنگر که فرجام کار ستم‌پیشگان چگونه است.

✽ قارون هم که مردی سرکش و بخت برگشته بود، چنان شد  
که:

فَخَسَفْنَا بِهِ وَ بِدَارِهِ الْأَرْضَ<sup>۳</sup>

او و کاخش را به کام زمین فرو بردیم.  
بنابراین، چنانچه گفتیم، قدرت خداوند، در نابودی کافران و

۱- حجر / ۷۳-۷۴.

۲- قصص / ۶۰.

۳- قصص / ۸۱.

ستمگران، در هر زمان، به گونه‌ای جلوه‌گر گشته است و چه بسا که در ظهور حضرت مهدی علیه السلام خداوند اراده خویش را، در پیروزی آن حضرت و سیطره و فراگیری حکومتش در کره زمین، به صورتهای مختلفی که آنها را ذکر می‌کنیم، جلوه‌گر کند و آن حضرت را پیروز گرداند.

اینک در این گفتار به اختصار خواهیم گفت که در کارزار نهایی میان نیروهای پلید شیطانی از یک سو، و نیروهای نکوی رحمانی از سوی دیگر، حضرت حجت علیه السلام با کدامین سلاح به میدان می‌آید:

نخستین و مهمترین و کارسازترین، و در عین حال ساده‌ترین سلاح آن حضرت «دعوت توحیدی» اوست. از آنجا که معرفت خداوند امری فطری و درونی است. آنگاه که حضرت مهدی علیه السلام در نخستین پیام جهانی خویش، با آن دم مسیحایی، مردم را به خدای یگانه دعوت فرماید، بسیاری از انسانهای خداجو دعوت او را پاسخ مثبت می‌دهند و پیرو او می‌شوند. و بدینسان جبهه نیرومندی از خدا جویان و موحدان، به آن حضرت خواهند پیوست. دعوت توحیدی آن حضرت در نهایت چنان فراگیر می‌گردد که حضرت علی علیه السلام در آن باره فرموده است:

«كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى لَا يَبْقَى قَرْيَةٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ بُكْرَةً

## وَعَشِيًّا<sup>۱</sup>

(نه چنان است - که مردم می‌پندارند - سوگند به خداوندی که جانم به دست اوست، هیچ آبادی در کرهٔ خاکی نمی‌ماند جز آنکه شب و روز در آن ندای «لا إله إلا الله و محمداً رسول الله» بر می‌خیزد.)

۲ در پی همان دعوت توحیدی، و گرایش مردم پاک فطرت و خوش طینت به آن حضرت، ویژگی دیگر آن جناب همان است که خداوند در قرآن پیرامون اهل بیت پیامبر ﷺ فرموده است. در بخشی از داستان پرماجرای زندگی حضرت ابراهیم عليه السلام آمده است که چون آن حضرت فرزند شیرخواره‌اش، اسماعیل و مادر او هاجر، را به فرمان خدا در صحرای بی‌آب و علف مکه جای داد، چنین گفت:

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ»<sup>۲</sup>

(ای پروردگار ما! من خاندان خویش را در سرزمین خشک و بی‌حاصل، در کنار خانهٔ محترم تو جای دادم. پروردگارا! چنین کردم تا نماز را به پای دارند.)

آنگاه چنین دعا و درخواست کرد:

«فَاَجْعَلْ أُمَّتَهُ مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ»

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۱.

۲- سوره ابراهیم / ۳۷.



(خدایا! دل‌های برخی از مردم را چنان قرار ده تا به سوی ایشان میل کنند.)

با بهره‌گیری از آیه شریفه، پیامبر اکرم ﷺ همین ویژگی را برای وصی و جانشین خویش حضرت علی علیه السلام برشمرده و فرموده که علی علیه السلام نیز چنان است که دل‌های پاک و خداجو به سوی او میل می‌کنند.<sup>۱</sup> همین ویژگی برای دیگر امامان علیهم السلام نیز وجود دارد.<sup>۲</sup>

بنابراین مردم پاکدل و پاک سرشت با دیدن حضرت مهدی علیه السلام می‌یابند که او حجت خداست و محبت آن حضرت به دل آنها می‌افتد و مایل و مطیع او می‌شوند. چنانچه از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«فَيَلْقَى اللَّهُ مَحَبَّتَهُ فِي صُدُورِ النَّاسِ»<sup>۳</sup>

(خداوند محبت امام زمان علیه السلام را در دل مردم می‌اندازد.)

۳ پیرو سخن پیشین می‌گوییم که در روایات مربوط به ظهور حضرت مهدی علیه السلام آمده است که پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ علیه السلام فَيُصَلِّي خَلْفَهُ وَ تُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ

۱ - غیبت نعمانی / ۲۶.

۲ - بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۳۸.

۳ - خصال یاوران مهدی علیه السلام، ص ۱۸، انتشارات وزارت ارشاد، تیر ۱۳۶۴.

## المغرب<sup>۱</sup>

(آنگاه که حضرت مهدی علیه السلام ظهور فرماید عیسی مسیح از آسمان فرود می آید و به امامت حضرت مهدی علیه السلام نماز می گزارد. در آن حال زمین به نور پروردگارش روشن می گردد و دامنه سلطنت حضرت مهدی علیه السلام شرق و غرب عالم را فرا می گیرد.)

می دانیم که بنابر آنچه در انجیل آمده است، فرود حضرت مسیح از آسمان قطعی است و این اعتقاد در میان مسیحیان جهان رایج و راسخ است. چنانچه در انجیل می خوانیم:

«... شاگردانش در خلوت نزد وی آمده گفتند: به ما بگو که این امور کی واقع می شود و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست؟»

عیسی در جواب ایشان گفت: زنهار کسی شما را گمراه نکند، زان رو که بسا به نام من آمده خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد ...  
... زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد.<sup>۲</sup>

ما شیعیان نیز چنانچه خواندید معتقدیم که حضرت مسیح علیه السلام ظهور می فرماید و پشت سر امام زمان علیه السلام نماز می گزارد.

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۱.

۲- کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل متی، باب ۲۴.

تصور کنید با وقوع این حادثه عظیم چه خواهد شد؟ آیا چنان نخواهد بود که مسیحیان مؤمن، با دیدن این صحنه، به حضرت مهدی علیه السلام ایمان بیاورند؟ و از آنجا که بسیاری از قدرتهای سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی فعلاً در اختیار مسیحیان است، با ایمان آنان، آیا آن قدرتها فرو نخواهد ریخت؟ یا به صورت صحیح در اختیار حضرت مهدی علیه السلام قرار نخواهد گرفت؟ آیا چنان نمی شود که بسیاری از مسیحیان، بی هیچ مقاومتی تسلیم حضرت مهدی علیه السلام خواهند شد؟

۲ یهودیان نیز پایانی خوش برای جهان قائلند:

«به سبب شریران خویشان را مشوش مساز ... زیرا که

مثل علف به زودی بریده می شوند ...

... زیرا که شریران منقطع خواهند شد و اما منتظران

خداوند وارث زمین خواهند بود.»<sup>۱</sup>

درباره ایمان یهودیان به حضرت مهدی علیه السلام داریم:

«فَإِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ الْيَهُودُ أَسْلَمَتْ إِلَّا قَلِيلاً مِنْهُمْ»<sup>۲</sup>

(آنگاه که یهودیان دیدگانشان به جمال نورانی و روحانی

حضرت مهدی علیه السلام روشن شود، همگی - جز اندکی از

آنان - تسلیم آن جناب می شوند.)

به این ترتیب بخش اعظم دیگری از قدرتهای اقتصادی و

۱- کتاب مقدس، عهد عتیق، مزامیر داود، مزمور سی و هفتم.

۲- معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۳۱۱.

سیاسی و فرهنگی فرو می‌باشد.

۵ در تأیید مطلب پیشین، از ابن عباس نقل شده که درباره پیروزی و فراگیری اسلام، گفته است:

«لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى لَا يَبْقَى يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ وَلَا صَاحِبُ مِلَّةٍ إِلَّا دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ حَتَّى يَأْمَنَ الشَّاةُ وَالذَّنْبُ وَالْبَقْرَةُ وَالْأَسَدُ وَالْحَيَّةُ وَحَتَّى لَا تُقْرَضَ فَاَرَةٌ جَرَابًا وَحَتَّى تُوَضَعَ الْجِزْيَةُ وَ يَكْسَرَ الصَّلِيبُ وَ يُقْتَلَ الْخِنْزِيرُ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ: (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ...) وَ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ»<sup>۱</sup>

(دین اسلام فراگیر نخواهد شد تا آنکه تمام یهودیان و مسیحیان و دیگر ادیان مسلمان شوند. تا آنجا که گرگ و گوسفند و گاو و شیر و مار به امنیت در کنار یکدیگر بسر برند. امنیت به آنجا می‌رسد که دیگر موشها کاری به غله‌ها و انبارها ندارند! جزیه - مالیاتی که در حکومت اسلام از اهل کتاب گرفته می‌شود - از میان می‌رود و صلیب - نشانه بت پرستی مسیحیان - می‌شکند و خوک - علامت مخالفت با حکم خدا - کشته می‌گردد. این است معنای سخن خدا که می‌فرماید: «تا آنکه اسلام را بر همه ادیان پیروز گرداند» و اینها همه به هنگام

قیام حضرت قائم علیه السلام به وقوع می پیوندند.

خداوند درباره جنگ بدر و رو در روی تعداد کم و بی سلاح مسلمانان، با سپاه فراوان و غرق در سلاح کافران می فرماید:

«سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ  
الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ»<sup>۱</sup>

(به زودی زود در دل کافران رعب و وحشت می افکنیم.  
پس - بی درنگ - سرها و انگشتان ایشان را به ضربت  
شمشیر قطع کنید.)

آری، یکی از سلاحهای کارسازی که در جنگهای پیامبر نقش  
مهمی را ایفاء می کرد، ترس و هراسی بود که خداوند از پیامبر و  
یارانش در دلهای کافران می انداخت. همین ویژگی را حضرت  
امام باقر علیه السلام برای حضرت مهدی علیه السلام بیان می فرماید:

«الْقَائِمُ مَنصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ، تُطْوَى لَهُ  
الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ، وَ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ  
الْمَغْرِبَ، وَ يُظْهِرُ اللَّهُ عِزَّ وَ جَلَّ بِهٖ دِينَهُ وَ لَوْ كَرِهَ  
الْمُشْرِكُونَ»<sup>۲</sup>

(حضرت قائم به وسیله رعب و وحشت مدد می شود و  
تأیید الهی یاور او می گردد. زمین زیر پایش به حرکت  
در می آید، و گنجینه های نهفته در دل خاک برای آن

۱- سوره انفال / ۱۲.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱.

حضرت آشکار می‌شود. سلطنت و حکومت او شرق و غرب عالم را فرا می‌گیرد. و خداوند به وسیله او دینش را بر همه دین‌ها پیروز می‌گرداند هرچند مشرکان را خوش نیاید.)

❧ در داستان شیرین و شگفت‌انگیز مقابله حضرت موسی با قدرت وحشتناک و اهریمنی فرعون، و نیز نیروی بسیار پرفریب جادوگران، دیدیم که حضرت موسی علیه السلام با آن بینه آشکار، یعنی با یک عصای چوپانی، قدرت فرعون را درهم کوبید و جادوگران را به زانو درآورد، تا آنجا که جادوگران دانستند نیروی حضرت موسی علیه السلام نیروی الهی و آسمانی است و به او ایمان آوردند. در روایات آمده است که یکی از میراث‌های پیامبران پیشین که به حضرت مهدی رسیده است همان عصای حضرت موسی علیه السلام است.

یعنی یکی از ابزارهای خارق‌العاده حضرت مهدی علیه السلام که به وسیله آن، نیروی جادویی و اهریمنی و قدرتهای فرعون گونه‌ای را به زانو در می‌آورد، عصای حضرت موسی علیه السلام است.

❧ پیداست علاوه بر عواملی که تا به حال برشمردیم، حضرت مهدی علیه السلام نیروی نظامی نیز خواهد داشت. ویژگی آن حضرت در این باره چنان است که در روایت امام باقر علیه السلام آمده است. آن حضرت در سخنانی که شباهت‌های حضرت مهدی علیه السلام به انبیای



پیشین را بر می شمرد، در بخشی از آن بیانات می فرماید:

«وَأَمَّا شِبْهُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى ﷺ فَخُرُوجُهُ  
بِالسَّيْفِ وَقَتْلُهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَأَعْدَاءَ رَسُولِهِ وَالْجَبَّارِينَ وَالْطَّوَاغِيتَ وَأَنَّهُ يُنْصَرُّ بِالسَّيْفِ وَالرُّعْبِ وَأَنَّهُ لَا تُرَدُّ لَهُ  
رَايَةٌ»<sup>۱</sup>

(و اما شباهت آن حضرت به جدش حضرت مصطفی ﷺ آن است که حضرت مهدی نیز با شمشیر قیام می فرماید و دشمنان خدا و رسول و نیز ستمگران و سرکشان را از دم تیغ می گذرانند. شباهت دیگر به جدش آن است که با شمشیر «نیروی نظامی» و نیز وحشتی که از او در دل دشمنان می افتد، یاری می گردد و دیگر آنکه هیچ پرچمی از او - شکست خورده - باز نمی گردد.)

۹ برای اقدام نظامی، بی تردید حضرت ولی عصر عجل الله فرجه، نخست نیاز به یارانی همدل و پیروانی راستین دارد. جالب است بدانید که پیروان نخستین و به سخنی دیگر سرداران سپاه آن حضرت، به تعداد همان یاران پایدار و استوار جناب طالوت و نیز به عدد پیکارگران جنگ بدر (سیصد و سیزده نفر) هستند. و البته پس از پیوستن آن سیصد و سیزده نفر و آغاز اقدامات نظامی حضرت، ده هزار نفر دیگر در همان لشکرکشی نخست به آن حضرت

می پیوندند. بیان حضرت باقر علیه السلام را در این باره می شنویم:

«فَإِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ، وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَ أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ:

(بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)

ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»<sup>۱</sup>

(آنگاه که حضرت مهدی ظهور فرماید تکیه بر کعبه می زند و در آن هنگام سیصد و سیزده نفر گرد او جمع می آیند و اولین سخنی که آن حضرت می گوید این آیه است:

«باقی مانده خدا برای شما بهتر است، اگر از مؤمنین باشید»

سپس ندا بر می آورد که: باقی مانده خدا در زمین من هستم.)

«فَإِذَا اجْتَمَعَ إِلَيْهِ الْعَقْدُ وَ هُوَ عَشْرَةُ آلَافِ رَجُلٍ، خَرَجَ. فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ صَنَمٍ وَ غَيْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَ. وَ ذَلِكَ بَعْدَ غَيْبَةِ طَوِيلَةٍ، لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يُطِيعُهُ بِالْغَيْبِ وَ يُؤْمِنُ بِهِ»

(پس آنگاه که ده هزار نفر با او پیمان بستند، قیام مسلحانه خویش را آغاز می فرماید. از آن پس، دیگر در زمین معبودی جز خداوند نمی ماند، مگر آنکه آتش در

آن می‌افتد و می‌سوزد. آن معبود هر چه می‌خواهد باشد، بت یا غیر بت، می‌سوزد و نابود می‌شود. و این حوادث پس از غیبتی طولانی رخ می‌دهد. آن غیبت طولانی از آن رو خواهد بود تا معلوم گردد چه کسانی در دوران غیبت از خدا اطاعت کرده و به - وعده - او ایمان داشته‌اند.)

خداوند خطاب به مؤمنان زمان پیامبر می‌فرماید:

«إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا»

(اگر از شما بیست مرد در جنگ با دشمنان پایمردی کنند بر دویست نفر پیروز می‌گردند، و اگر صد نفر چنان باشند بر هزار نفر از کافران غالب می‌شوند.)

اما خداوند به دنبال این سخن، چنین می‌فرماید:

«الآن خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَ عَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفًا يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»<sup>۱</sup>

(هم اینک خداوند بر شما آسان گرفت و دانست که در شما سستی و فتوری راه یافته است - و چنان نیست که هر یک نفر حریف ده نفر باشد - پس اگر صد نفر از شما

در جنگ پایداری و پایمردی کنند بر دویست نفر پیروز  
می‌گردند، و اگر هزار نفر از شما باشند به اذن خدا بر  
دو هزار نفر پیروز می‌شوند، و البته خداوند با صابران  
(است).

اما درباره یاران حضرت مهدی علیه السلام داریم که امام  
زین العابدین علیه السلام فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ،  
وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ،  
وَ جَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا،  
وَ يَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَامَهَا»<sup>۱</sup>

(آنگاه که قائم ما قیام فرماید، خداوند آفت و بیماری را  
از شیعیان ما می‌زداید و دلهای ایشان را چون پاره‌های  
آهن - محکم و استوار - می‌گرداند و نیروی هر یک از  
ایشان را برابر نیروی چهل مرد قرار می‌دهد. و در آن  
حال ایشان حاکمان و ارکان زمین می‌گردند.)

در سخنی دیگر از حضرت امام صادق علیه السلام داریم که فرمود:

«فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَ جَاءَ مَهْدِينَا كَانَ الرَّجُلُ مِنْ شِيعَتِنَا  
أَجْرِي مِنْ لَيْثٍ وَ أَمْضَى مِنْ سِنَانٍ. يَطَّأُ عَدُوَّنَا بِرِجْلَيْهِ،  
وَ يَضْرِبُهُ بِكَفَّيْهِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ نُزُولِ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ فَرَجِهِ  
عَلَى الْعِبَادِ»<sup>۲</sup>

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۸.

(آنگاه که امر - حکومت - ما واقع شود و مهدی ما ظهور فرماید، هر یک از شیعیان ما از شیر ژیان شجاع تر و از نیزه تیز کاری تر خواهد بود. دشمنان را زیر پاهایش لگد مال می کند و با ضربت دست او را از پای در می آورد. و این هنگامی خواهد بود که رحمت الهی و گشایش آسمانی شامل حال بندگان شده است.)

آری، این است گوشه ای از ویژگی های یاران حضرت مهدی که با یاورانی اینچنین استوار و پایدار و قدرتمند، آن حضرت به نبرد با مشرکان و کافران بر می خیزد و آنان را از پای در می آورد.)

در جنگ بدر تعداد مسلمانان سیصد و سیزده نفر بود و عده کافران حدود هزار نفر. مسلمانان تجهیزات کافی جنگی نداشتند و کافران تا دندان مسلح بودند. از این رو خداوند نخست هزار فرشته به یاری آنان فرستاد، و سپس دو هزار فرشته دیگر، و آنگاه دو هزار فرشته دیگر مأمور فرمود تا به مسلمانان مدد رسانند. قرآن در این باره می فرماید:

«بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَ يَأْتُوَكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ»<sup>۱</sup>

(آری، چنان است که اگر صبروری کنید و تقوا پیشه سازید، در همان حال که دشمنان به سرعت بر شما

یورش می‌آورند، خداوند با پنج هزار فرشته نشاندار  
شما را یاری می‌فرماید.)

در آیه بعد خداوند تأکید می‌فرماید که این یاری فرشتگان از  
چه رو بوده است:

«وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ وَمَا  
النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»<sup>۱</sup>

(خداوند یاری فرشتگان را از آن روی قرار داد تا  
بشارتی برای شما باشد و نیز برای آنکه دل‌های شما  
آرامش و اطمینان یابد و البته پیروزی جز از جانب  
خداوند عزیز و حکیم نمی‌باشد.)

یعنی چنان نبوده است که آن پنج هزار فرشته از تمامی  
نیروهای خود علیه کافران بهره برده باشند، بلکه تا آن اندازه که  
مسلمانان امید و اطمینان یابند ایشان را یاری کرده‌اند.

حضرت امام باقر علیه السلام بشارت داده‌اند که:

«إِنَّ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ نَصَرُوا مُحَمَّدًا يَوْمَ بَدْرٍ فِي الْأَرْضِ  
مَا صَعَدُوا بَعْدُ وَلَا يَصْعَدُونَ حَتَّىٰ يَنْصُرُوا صَاحِبَ  
هَذَا الْأَمْرِ وَهُمْ خَمْسَةٌ أَلْفٍ»<sup>۲</sup>

(آن پنج هزار فرشته‌ای که در جنگ بدر پیامبر را یاری  
کردند پس از آن به آسمان نرفتند و نخواهند رفت. آنها  
در زمین مانده‌اند تا پس از ظهور حضرت مهدی به

۱- سوره آل عمران / ۱۲۶.

۲- تفسیر نورالثقلین ۱ / ۳۸۸ به نقل از تفسیر عیاشی.



یاری آن حضرت برخیزند.)

پیداست که در ظهور حضرت مهدی علیه السلام به خاطر کثرت دشمنان و پیچیدگی سلاح آنان، مقابله با دشمنان دشوارتر خواهد بود و فرشتگان نیز از نیروی بیشتری در مقابله با دشمنان بهره خواهند بود.

امام باقر علیه السلام در سخنی دیگر می فرماید:

«كَأَنِّي بِالْقَائِمِ عليه السلام عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ

وَ قَدْ سَارَ إِلَيْهَا مِنْ مَكَّةَ فِي خَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ:  
جِبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ، وَ مِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ، وَ الْمُؤْمِنُونَ  
بَيْنَ يَدَيْهِ، وَ هُوَ يُفَرِّقُ الْجُنُودَ»<sup>۱</sup>

(گویا قائم علیه السلام را در بلندای شهر کوفه می بینم که پنج

هزار فرشته از مکه به سوی او در حرکت هستند:

جناب جبرئیل در میمنه سپاه و حضرت میکائیل در

میسره سپاه و مؤمنان نیز در قلب سپاه جای دارند، و

حضرت مهدی با آن یاران زمینی و آسمانی لشکریان

دشمن را تار و مار می سازد.)

۱۲ یکی از قدرتهای بی شمار خداوند در نابودی کافران،

قدرتهای طبیعی است و یکی از آنها قدرت «باد» است. خداوند

قوم سرکش عاد را با نیروی باد نابود ساخت:

«وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ»<sup>۱</sup>

(و اما عاد، آنان به وسیله بادی بسیار تند و سرکش، نابود  
و هلاک شدند.)

خداوند قدرت باد را در اختیار حضرت سلیمان علیه السلام نیز قرار  
داده بود.

«فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ»<sup>۲</sup>

(باد را به فرمان سلیمان آوردیم که به دستور او به نرمی  
هر کجا که سلیمان بخواهد بوزد.)

بعید نیست که تمامی نیروهای طبیعی را خداوند به فرمان  
حضرت مهدی علیه السلام درآورد تا آن حضرت آنگونه که خود اراده  
فرماید از آن نیروها در نابودی دشمنان بهره مند شود. چنانچه  
درباره لشکر سفیانی داریم که در سرزمین بیداء (میان مکه و  
مدینه) زمین دهان باز می کند و سفیانی و لشکریانش را تماماً در  
خود فرو می برد. و نیز پیشتر خواندیم که زمین زیر پای آن  
حضرت به حرکت درمی آید.

**۱۳** با توجه به مطلب پیشین این نکته را نیز می افزاییم که به  
این ترتیب پیشرفتهای علمی و فنی در برابر قدرتی که خداوند به  
حضرت صاحب الزمان علیه السلام ارزانی می دارد، دیگر شکوه و عظمتی  
ندارد. چون خداوند نیروهای برتری به آن حضرت می دهد. در

۱- سوره الحاقه / ۶- احقاف / ۲۴- ذاریات / ۴۱- فصلت / ۱۶- قمر / ۱۹.

۲- سوره ص / ۳۸- انبیاء / ۸۱.

این باره به روایتی که از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است، توجه کنید:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ. فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَا لَا تُفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ، فَانظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا»

(هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام فرماید به هر یک از سرزمینها کسی را می فرستد و به او می فرماید دستوری که باید انجام دهی در کف دست توست. اگر با مطلبی برخورد کردی که آن را نمی فهمی و حکم و فرمان آن را نمی دانی، به کف دست خویش بنگر و به آنچه در آن می بینی، عمل کن.)

و در ادامه می فرماید:

«وَيَبْعَثُ جُنْدًا إِلَى الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ فَإِذَا بَلَغُوا إِلَى الْخَلِيجِ كَتَبُوا عَلَى أَقْدَامِهِمْ شَيْئًا وَ مَشَوْا عَلَى الْمَاءِ. فَإِذَا نَظَرَ إِلَيْهِمُ الرُّومُ يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ قَالُوا: هَؤُلَاءِ أَصْحَابُهُ يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ فَكَيْفَ هُوَ؟ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَفْتَحُونَ لَهُمْ بَابَ الْمَدِينَةِ فَيَدْخُلُونَهَا فَيَحْكُمُونَ فِيهَا بِمَا يُرِيدُونَ»<sup>۱</sup>  
(و لشکری به سوی قسطنطنیه<sup>۲</sup> بر می انگیزد. وقتی آن

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵.

۲- شهر استانبول فعلی که پیشتر جزء اروپا بوده است. در روایات معمولاً از اروپا به «روم» تعبیر شده است.

لشکر به کنار خلیج می‌رسند بر پاهای خویش چیزی می‌نویسند و سپس روی آب راه می‌روند. مردم روم «اروپاییان» وقتی می‌بینند که اصحاب حضرت مهدی علیه السلام روی آب حرکت می‌کنند - با شگفتی - می‌گویند اصحاب و یاران او روی آب راه می‌روند، پس خود وی چگونه خواهد بود؟ در این هنگام دروازه شهر را به روی لشکریان امام زمان علیه السلام می‌گشایند - و تسلیم می‌شوند - و لشکریان داخل شهر شده، آنگونه که خود می‌خواهند در آنجا حکم و فرمان می‌رانند.

**۱۶** درباره قدرت و توان اقتصادی حضرت مهدی علیه السلام سخن بسیار است. اما در این گفتار به طور اختصار سخن حضرت امام باقر علیه السلام را در این باره نقل می‌کنیم:

«... وَ يُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرِهَا. فَيَقُولُ لِلنَّاسِ: تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَاءَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ. فَيُعْطَى شَيْئاً لَمْ يُعْطِهِ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا كَمَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ شَرًّا»<sup>۱</sup>

(تمام ثروت‌های پیدا و پنهان زمین در نزد حضرت

ولی عصر علیه السلام فراهم می‌آید. آنگاه آن حضرت به مردم می‌فرماید: از آنچه که به خاطرش پیوند خویشاوندی بریدید و خونهای به ناحق برایش ریختید و مرتکب آنچه که خدا حرام کرده بود شدید، بیایید و هر چه می‌خواهید برگزید. پس آنگاه به هر کس آنقدر عطا می‌کند که بیشتر به هیچ کس آن مقدار عطا نکرده است. و زمین را از عدل و داد و نور پر می‌کند چنانچه از ظلم و ستم و شر پر شده است.

به این ترتیب دانستیم که حضرت ولی عصر علیه السلام با نیروهایی متناسب با هر قدرتی به مقابله با قدرتهای کنونی جهان بر می‌خیزد و در نهایت پیروزی از آن او خواهد بود.

**۱۵** بسیاری از نابسامانیهای اجتماعی و انحطاط فکری و فرهنگی ریشه در جهل و نادانی مردم دارد. یکی از بهترین و مهمترین حربه‌های بسیار کارساز حضرت مهدی علیه السلام برای مقابله با ناهنجاریهای جامعه افسار گسیخته، آن است که خرد و اندیشه مردم را تعالی می‌بخشد و با متعالی شدن و رشد اندیشه‌ها، و خشکیدن ریشه نادانی‌ها، مردم از کمالات و نیکویی‌ها استقبال خواهند کرد. از همین روست که امام باقر علیه السلام بشارت داده است:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ

فَجَمَعَ اللَّهُ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَّلَتْ بِهَا أَحْلَامُهُمْ<sup>۱</sup>

(آنگاه که قائم ما بپا خیزد و قیام فرماید دست خویش بر سر بندگان می‌نهد و خداوند بدین سان عقل‌های ایشان را فراهم می‌آورد و خرده‌های آنان را کامل می‌گرداند.)

این گفتار را با سخنی آسمانی از حضرت علی علیه السلام به پایان

می‌بریم:

«يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَكَلْبٍ مِنَ الدَّهْرِ وَ  
جَهْلٍ مِنَ النَّاسِ! يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ وَيَعْصِمُ أَنْصَارَهُ وَ  
يَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ وَيُظْهِرُهُ عَلَى الْأَرْضِ حَتَّى يَدِينُوا طَوْعًا  
أَوْ كَرْهًا.

يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا وَ بُرْهَانًا.

يَدِينُ لَهُ عَرَضُ الْبِلَادِ وَ طَوْلُهَا.

لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ وَ لَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ.

وَ تَصْطَلِحُ فِي مُلْكِهِ السَّبَاعُ وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبْتَهَا.

وَ تُنَزِلُ السَّمَاءُ بَرَكَتَهَا وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ. يَمْلِكُ مَا بَيْنَ

الْخَافِقِينَ»<sup>۲</sup>

(خداوند در آخر الزمان و در دورانی بسیار سخت و در  
اوج نادانی مردم، مردی را - برای نجات آدمیان - بر  
می‌انگیزد. خداوند او را به وسیله فرشتگان خویش تأیید

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.



می‌کند و یاوران‌ش را حفظ و حراست می‌فرماید و به وسیله نشانه‌های - قدرت - خویش او را یاری می‌کند و آن جناب را در زمین پیروز می‌گرداند تا آنکه همه، خواسته یا ناخواسته، به دین او درآیند. زمین را از عدل و داد و نور و برهان پر می‌کند. تمامی سرزمین‌ها به دین او در می‌آیند و تسلیم وی می‌گردند. هیچ کافری نمی‌ماند جز آنکه مسلمان می‌شود، و هیچ تبه‌کاری و بدکاری نمی‌ماند جز آنکه صالح و نکوکار می‌گردد. درندگان در روزگار او خوی درندگی خویش را از دست می‌دهند، و زمین رویش خویش را آشکار می‌سازد. و آسمان برکت خویش را فرو می‌ریزد، و گنجینه‌های زمین برای او آشکار می‌شود، و شرق و غرب عالم را تسخیر می‌کند.

پایان این سخن را به صلوات مخصوص آن حضرت می‌آراییم:

بارالها! بر محمد و اهل بیت او درود فرست.

پروردگارا! بر ولی و وصی و وارث حضرت عسکری درود فرست.

همان کس که برای امر - دین - تو به پا می‌خیزد.

همان کس که در میان خلق تو پنهان و نهان است.

همان کس که منتظر فرمان و اذن توست تا قیام فرماید.

خداوندا! بر او درود بی‌پایان فرست و هر چه زودتر

ظهورش را نزدیک فرما.

خدایا! تو وعده داده‌ای که او حتماً خواهد آمد. پس ای خداوند به وعده خویش عمل فرما!

الهی! آن عزیز خود نیز در دوران غیبت از غم هجرت، سخت افسرده و اندوهگین است.

ای خدای بزرگ! پرده پنهانی‌اش را به سویی بزن و او را آشکار و ظاهر بفرما.

محنت و غم سرتاسر گیتی را فرا گرفته است.

ای خداوند! با ظهورش غم و اندوه از دلهای مؤمنان و مصلحان بزدای.

بارالها! رعب و وحشتی را که در دلهای دشمنانش می‌افکنی، پیشاپیش روی او قرار ده.

دلهای مؤمنان را در ایمان به او پایدار و استوار بگردان. پیکار با کافران و تبه‌کاران و منافقان را با ظهور و قیام او بر پا فرما.

خدایا! او را با لشکریانی نشاندار از فرشتگان، یاری و نصرت کن.

او را بر تمام دشمنان دینت ای خدا، مسلط و چیره بگردان.

خدایا! به دل حضرت مهدی بینداز تا در ظهورش:

- بنای بی‌بنیاد کافران را چنان فرو ریزد که صدای ویران شدن کاخ کافران در سرتاسر جهان بیچد.

- با ضربت ذوالفقار سرهای سرفراز سرکشان را از بیخ

برکند.

- سیاهی نیرنگ نیرنگ بازان را به خودشان باز گرداند.

- حد خدا را بر فاسقان و بدکاران جاری سازد.

- فرعونهای دوران را هلاک و نابود سازد.

- پردههای دروغ و نفاق و ریا را پاره کند.

- پرچم برافراشته کفر و ضلالت را به زیر آورد و بشکند.

- تمامی قدرت و سلطنت را در سراسر گیتی به دست آورد.

- نیزه‌های کوچک و بزرگ زورمداری را بشکند.

- لشکر کفر و بی‌دینی و فساد را پراکنده سازد.

- منبرهای گمراهی را که پایگاه‌های دین‌های دروغین است، به آتش بسوزاند.

- شمشیر ظلم و ستم را که بر سر بشریت ناتوان کشیده شده، بشکند.

- بت‌های گوناگون و گمراه‌کننده‌ها را بر زمین کوبد و ریز ریز کند.

- خون‌های ناپاک کافران و منافقان و ستمگران و تبه‌کاران را بر زمین ریزد.

- جور و ستم و بیداد و ظلم و بی‌عدالتی را به کلی نابود کند.

- باروهای بلند و به ظاهر استوار دشمنان را فرو ریزد.

- درهای رخنه و نفوذ بی‌دینی و کفر و گمراهی را به  
روی مؤمنان بریندد.

- کاخ‌های پرشکوه ستم‌پیشگان را خراب و ویران سازد.

- نهانخانه‌های منافقان و دشمنان پنهان را آشکار سازد.

- بیابانها و صحراها را به قدرت الهی و آسمانی در  
نوردد.

- بر فراز کوههای بلند و قله‌های سرفراز، فرود آید.

- گنجینه‌های نهفته در دل خاک را بیرون آورد.

خدایا امید چنان داریم که حضرت صاحب الزمان همه

اینها را که گفتیم به لطف و رحمت تو ای مهربانترین

مهربانان، به انجام رساند.<sup>۱</sup>

---

۱- صلوات بر حضرت صاحب الأمر علیه السلام، مفاتیح الجنان.